

شما به عنوان یک بازیگر جوان با چندین سال سلیقه کاری، به نظر می‌رسد در گروه بازیگران گزیده کار قرار می‌گیرید. آیا از مسیری تا امروز که در دنیای بازیگری با این شیوه طی کرده‌اید راضی هستید؟

شاید سخت گذشته باشد، اما ناراضی نیستیم. ممکن است اشتباهاتی کرده باشیم، اما منطقی و احساس آن زمان به من چنین دستوری داده و بر اساس آن باز هم با این که پیشنهادات تصویری و سوسه‌انگیزی داشتیم، تئاتر را انتخاب کردم. تئاتر همیشه برای من آوردگاه آموزشی بوده و سعی کردم ارتباطم را با حوزه‌هایی که از آن آمده‌ام قطع نکنم. ضمن این که من به تداوم اعتقاد دارم. خیلی از روزنهایی که بستر همکاری من با آن فراهم نشده است کارهای خوبی بوده و من قطعاً دوست داشتم و دارم با آن افراد کار کنم، اما موقعیت و زمان همه چیز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گزیده‌کاری ساده نیست و طبیعتاً کسی را بر اساس کارهایی که انجام داده‌ام می‌سنجند و کمیت را در نظر می‌گیرند، اما من سعی کرده‌ام کیفیت مطلوب خودم را داشته باشم و لحظه به لحظه یاد بگیرم و ارتباطم را برای آموزش بیشتر حفظ کنم. هیچ وقت فکر نکردم دوستی با هنرمندی به‌خاطر شکل‌گیری موقعیت‌های کاری آینده به سود من است. حسن ارتباطات بیشتر به سالم و مفید بودن آن است.

ما می‌دانیم روزه‌های حصری از آن بازیگران جوانی است که در تئاتر پرورش یافته و حالا به عرصه تصویر رسیده‌اند. در سال‌های اخیر شاهد هستیم تئاتر، بازیگرانی که در آن حوزه مطرح می‌شوند سپس به سینما یا تلویزیون می‌آیند و از دست می‌دهد یعنی افراد پس از چند کار تصویری، دیگر در تئاتر حضور ندارند. آیا این اتفاق در مورد شما هم افتاده است؟

آخرین بار چه زمانی روی صحنه تئاتر رفتید؟  
پیمان من با تئاتر خیلی شخصی است، مثل رابطی عاشقانه که تنها به من و معشوق مربوط است. زملی که کارم را تازه شروع کرده بودم دوستان تئاتری برچسب بازیگر مدیوم تصویر به من می‌زدند و بالعکس. من به این نوع تقسیم‌بندی قائل نیستم. می‌دانم هر مدیوم مختص خودش را دارد، اما هر جایی احساس کنم که مفیدم، حضور پیدا می‌کنم. تئاتر بزرگ‌تر از آن است که از دست دادن پایه دست آوردن یک آدم بخواهد در مسیرش خدشهای وارد کند. ما همواره با گشاده‌رویی از پیشنهاد دوستی که حقیقتاً تئاتر کار می‌کنند استقبال می‌کنم. سال قبل روی صحنه بودم و ابتدای امسال هم قرار بود کاری انجام دهیم که به دلایلی نشد و فعلاً درگیر فیلمبرداری هستیم، ولی با یکی دو پروژه تئاتر صحبت کرده‌ام که اگر به توافق برسیم روی صحنه می‌روم.

شما پیش از سینما، از تلویزیون به مخاطب معرفی شده‌اید. آیا اولویتی بین انتخاب سینما و تلویزیون برای شما وجود دارد؟

ایده‌آل ذهنی من از بازیگری چندان در قامت جغرافیا یا مدیوم خاصی نمی‌گنجد. زمانی که تازه آموزش بازیگری را آغاز کرده بودم شاید فکرش را نمی‌کردم روزی این اتفاقات برای من بیفتد. آرزوی رسیدن به هدفم را داشتم، اما نمی‌دانستم این اتفاق در کدام مدیوم برای من رخ می‌دهد. بازیگر باید فرزند زمانه خودش باشد و نقشی که به او محول می‌شود را به بهترین شکل درک و ارائه کند. دوست دارم به زودی در سینما هم تجربه‌های خوبی کسب کنم. مردم مخاطب اصلی ما هستند و باید نظرشان را جلب کرد و این مسئله در تلویزیون که رسانه ملی محسوب می‌شود پررنگ‌تر است و نباید کم‌فروشی کرد و باید صادق بود.

شاید زیاد شنیده‌اید که می‌گویند ورود چهره‌های جوان به سینما با معیارهای نادرستی صورت می‌گیرد و افراد مستعد باید برای شناخته شدن پول و رابطه و... داشته باشند. شما در مسیری که تا امروز طی کرده‌اید برای نقش گرفتن و همکاری با کارگردانان مختلف چقدر با چنین چالش‌هایی برخورد کرده‌اید؟

زملی که وارد این کار می‌شدم در نظر داشتم که قدم‌های اول را درست بردارم. آنچه امروز در مورد بازیگر شدن می‌گویند در آن زمان هم به من گفته می‌شد و افراد معتقد بودند باید پارتی داشته باشم یا پول زیاد و... در دوران نوجوانی به‌صورت اتفاقی سیروس گرجستانی را دیدم و گفتم می‌خواهم بازیگر شوم و او به من گفت همه چیزهایی که در مورد بازیگری شنیده‌ای من هم شنیده‌ام و نمی‌دانم دیگران چطور معروف شده‌اند، اما من زحمت کشیده‌ام و توهم باید تئاتر کار کنی، سرخورده نشوی تا به هدفی برسی. من هم راهی جز این نداشتم که بجنگم و تلاش کنم. به همین دلیل دیگر در فتنم بهایی به این مسئله ننادم که ممکن است عده‌ای با پارتی وارد این کار شده باشند و من راه خودم را می‌روم. شاید خیلی از چیزهایی که در مورد دست‌زدها و پارتی... گفته می‌شود درست باشد، من نمی‌دانم، اما فقط می‌شنوم و عبور می‌کنم و اگر کسی به من بگوید چطور بازیگر شوم می‌گویم از راه آموزش و تلاش.

وقتی کارنامه کاری شما را مرور می‌کنیم، می‌بینیم شما تا امروز نقش‌ها و فضاهای متفاوتی را تجربه کرده‌اید. آیا این مسئله از خوش‌شانسی شما به‌عنوان بازیگر بوده یا به‌خاطر همان گزیده‌کاری و تصویری برای رسیدن نقش‌های متفاوت است؟

فکر می‌کنم به‌خاطر صبوری باشد. به این خاطر که پیشنهادهای زیادی داشتیم و وقتی می‌دیدم شبیه به هم هستند مقاومت می‌کردم و نمی‌پذیرفتم.

وقتی نقش‌های پیشنهادی را نمی‌پذیرفتید آیا نمی‌ترسیدید که کم‌کم از یادگار وید و دیگر پیشنهاد منسب به شما داده نشود؟



روزبه حصری در گفت و گو با «صبا» :

## بازیگر به تنهایی عامل موفقیت فیلم نیست

فاطمه رستمی

گفت و گو

روزبه حصری برای مخاطب دنبال کننده سریال‌های تلویزیونی با مجموعه «یادآوری» شناخته شد و حالا با سریال «سلام آقای مدیر» روی آنتن شبکه دو سه‌است. حصری کارش را از تئاتر شروع کرد و با این که با توجه به سوابقش به نظر می‌رسد می‌تواند تبدیل به یکی از جوان‌اول‌های سینما شود، همچنان راهش را آهسته و پیوسته طی می‌کند. او در حال حاضر مشغول بازی در نقش جوانی‌های کاراکتر «جواد جوادی» در «بچه‌مهندس ۳» است. در این شماره از روزنامه «صبا» با روزبه حصری گفت‌وگویی داشتیم که می‌خوانید.



اتفاقا خیلی می‌ترسیدم و دوستم مرا نصیحت می‌کردند که حالا باید دیده شوی و وقت رد کردن پیشنهادها نیستا همواره بین بازیگری و معروف بودن، مرزی قائل هستم. بازیگری دیر یا زود شما را مطرح می‌کند، اما یک آدم صرفاً مشهور نمی‌تواند بازیگر خوبی باشد. شهرت معلول بازیگری است، ولی بازیگری معلول آن نیست. من بیکار نشستم و بویاتر در تئاتر حضور داشتم و با جرأت می‌گویم هیچ‌کدام از کارهای من در تئاتر، فضای مشابهی ندارند. خاویز باردن بعد از اسکار می‌گفت بازیگری ناامن‌ترین شغل جهان است این یک حقیقت است و حتی بازیگرهای جهانی هم فصول بیکاری دارند. اگر روزی با کسی کار نکردم و پیشنهادش را نپذیرفتم شاید دلایل دیگری داشته که در آن زمان باعث شده پیشنهاد را نپذیرم و گزینه من با هیچ‌کس مشکلی ندارم. حجت قلم‌زاده‌اصل نقشی که ملاقاتم را بعد از «یادآوری» در سریال «تاریکی شب، روشنی روز» به من پیشنهاد داد و بعد از آن، یک سال زمان برد که «سلام آقای مدیر» را بازی کردم، بعد هم مشغول «بچه‌مهندس ۳» شدم. در سینما کمی بدلتیسی آورده‌ام و فیلم‌هایی بازی کرده‌ام که پخش نشده‌اند. یکی از این فیلم‌ها «چردن» به کارگردانی علی بهراد بود، یا سال ۹۵ فیلم سینمایی «ماهور» را بازی کردم که محصول مشترک ایران و اوکراین به کارگردانی مجید نیا بود که همچنان معلوم نیست چه اتفاقی برای فیلم می‌افتد. به‌رحال بهتر است هر فیلمی در زمان مناسب خودش اکران شود.

این که شما پیشنهادهایی را که بعضاً سوسه‌انگیز هم بوده نپذیرفتید، آیا این نهنیت در بین همکاران شما ایجاد نشد که حصری بازیگر سخت‌گیری است؟

پیشنهادهای سینمایی و تلویزیونی خوبی داشتم که همه ارزشمند بودند و از همه کسانی که این پیشنهادها را به من دادند سپاسگزارم، اما وقتی کاری را نمی‌پذیرم دلیلش این نیست که سخت‌گیری بی‌مورد دارم بلکه شاید در آن برهه زمانی حس کردم من مناسب آن نقش و آن پروژه نیستم و حتی شاید لازم بوده در تئاتر باز هم بیله‌وزم و روی خودم کار کنم. گاهی قضا و قدر هم در میان است و مثل زندگی واقعی، برخی کارها بدون آنکه دلیلش را بدانیم انجام نمی‌شود و در دنیای بازیگری هم چنین حالتی طبیعتاً وجود دارد.

باتوجه به این که شهرت، زندگی آدم‌ها را تغییر می‌دهد، حالا که کم‌کم افراد بیشتری شما را می‌شناسند، زندگی‌تان دچار چه تحولاتی شده و بیشتر مراقب چه چیزهایی هستید تا به زیست فردی و جمعی‌تان آسیب نزنند؟

من بیش از هر چیز، مراقب سرد نشدن رابطه خودم با خانواده‌ام هستم. مشاغل دیگر شاید تا این حد مثل بازیگری فرد را از نظر روحی درگیر نمی‌کنند. شاید پدر من که سالیان‌مسال مرتب زندگی کرده، برایش عجیب باشد که شغل بازیگری چنین وضعیتی دارد و مثلاً من تازه صبح از سرکار به خانه می‌آیم همیشه سعی می‌کنم کاراکتر اجتماعی و شغلی خودم را زمانی که به‌خله می‌روم و در کنار خانواده قرار می‌گیرم، پشت در بگذارم. دوست دارم اصل زندگی برقرار باشد و در غیر این صورت زیست دچار مشکل می‌شود چرا که هنر از زندگی وام می‌گیرد.

باتوجه به این که به بازیگران جدیدی برای ایفای نقش اول، نیاز داریم تا مجبور نباشیم همچنان مردان و زنان چهل‌ساله سینمایمان را به جای دختران و پسران جوان فیلم‌ها به مخاطب قالب کنیم، فکر می‌کنید بازیگران تازه‌کار باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند که سینماگران اعتماد کنند و نقش اول فیلم‌شان را به آن‌ها بدهند؟

نکته همین است که فیلمسازان باید جسورتر دست به انتخاب بزنند. در بیشتر مواقع بر اساس پیشینه قبلی بازیگر در هر بستری که موفق بوده پیشنهادهای بعدی را به او ارائه می‌دهند. این اتفاق، خیانت آشکاری به خود بازیگران است. در حال‌بوود ماجرا این‌طور پیش می‌رود که همه کمک می‌کنند از بازیگران در هر کار ابعاد تازه‌ای رو کنند و با دادن نقش‌های متفاوت دست به تجربه‌گرایی می‌زنند و برای مخاطب جذابیت ایجاد می‌کنند. شاید در نسل قبلی هالیوود دنیل دی لوییس و در نسل جدیدتر کریستین بیل و بردلی کوپر نمونه‌هایی هستند که می‌بینیم در کنار استانداردهای جهانی بازیگری شمایل گوناگونی از توان خودشان را ارائه می‌دهند و این فقط به‌خودشان بستگی ندارد و تیم تولید باید قوت قلبی به کارگردان بدهد تا او با شجاعت دست به انتخاب‌های خاص تر بزند. ما فکر می‌کنیم شهرت بیشتر عاملی برای فروش فیلم است، اما معتمد بازیگر به‌تنهایی عامل موفقیت فیلم نیست و مجموعه در آن دخیل هستند. بازیگر ویرترین نهایی اثر است.

آیا بازیگری از نظر مالی شما را راضی کرده است و تا امروز به ارقام نجومی پیشنهادی برخورد کرده‌اید؟

می‌دانم چه پیشنهادی معنای نجومی می‌دهد؟ سعی می‌کنم از اصول خودم عبور نکنم. اگر قبول کردم در کاری یا دست‌مزد پایین بازی کنم حق ندارم از کارم کم بگذارم و ناراضی‌تانم را جلوی دوربین ببرم. به همین دلیل معتمد هیچ پولی نمی‌تواند هزینه روحی بازیگر را تضمین کند. از نظر خیلی‌ها دست‌مزد بازیگران بالاست، اما اگر به تناسب بررسی کنیم پولی که بازیگر درمی‌آورد از یک ساختمان‌ساز کمتر است. بازیگری عشق می‌خواهد و من هر بار نقشی را پذیرفتم بعد از آن یک فرایند روان‌شناختی را از سر گذراندم. بنه‌راین در این حالت پول معنای چندانی در ندارد و بحث روح و روان آدم در میان است.